گفت‌وگوی «فرهیختگان» با سازندگان مستند «راه طی شده»

بازرگان از نظر فکری نه ملی بود نه مذهبی

معین احمدیان - میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

چیزی که برای علی ملاقلی‌پور مسأله بود و باعث شد تا او دست به کار ساخت مستندی درباره مهندس بازرگان بشود را جوانان نسل ما خوب می‌شناسند. وقتی علی ملاقلی‌پور از خود ما پرسید با تماشای فیلم چه جور حسی داشتید؟ به او گفتم احساس من این بود که در ابتدای کار خواستی از پدرت فاصله بگیری، اما در انتها برگشتی و زیر همان تابلویی ایستادی که روی آن نام دوست شهید پدرت نوشته شده بود. مسأله نسل ما همین بود. ما می‌خواستیم آنچه را که نسل پدران‌مان می‌گویند دوباره در بوته آزمایش بگذاریم و هیچ چیز را دربسته و تعبدی نپذیریم. شاید خیلی از هم‌نسلان علی ملاقلی‌پور، وقتی نوجوان بوده‌اند از پدران‌شان پرسیده باشند که «اصلا مگر النقاط چه ایرادی دارد؟» یا سوال‌های اساسی دیگری از این قبیل مطرح کرده باشند و حالا علی، می‌خواست خودش را برای روزی که فرزندش چنین سوالی از او می‌پرسد آماده کرده باشد. «راه طی شده» اسم یکی از کتاب‌های مهندس بازرگان و البته نام فیلم مستند علی ملاقلی‌پور درباره این شخصیت است. این مستند از آن نوع فیلم‌هایی نیست که یکسره زست بی‌طرفی می‌گیرند، در حالی که درونمایه‌شان جهت‌گیری خاصی دارد؛ اما این فیلم به‌رغم صداقتی که در بیان موضعش دارد، از مدار انصاف خارج نشده و همین با انصاف بودن را گزاف نیست اگر حماسه بدانیم!

آقای ملاقلی‌پور! شما سراغ سوژه بسیار ملتهب و حساسی رفته‌اید. ظاهرا کار برای چند نفر از کسانی که در خود فیلم مصاحبه کردند هم نمایش داده شده است. به طور کل، برخورد‌های فعالان سیاسی را قبل از نمایش عمومی فیلم چطور ارزیابی می‌کنید؟

ملاقلی‌پور! امروز که در خدمت شما هستیم، آقای آشنا توئیت زدند و گارد گرفتند. ایشان فیلم را هنوز ندیده‌اند اما نمی‌دانم چطور گارد گرفتند!

شاید به گوش ایشان رسانده‌اند.

ملاقلی‌پور! حداقل ببینند و موضع بگیرند اشکالی ندارد. **غیر از آقای آشنا، باقی برخورد‌ها از طرف کسانی که حدس می‌زدید حساس شوند، چطور بود؟**

ملاقلی‌پور! خوشبختانه خیلی شاکی هستند. جز یک نفر که صحبت کرده بود و البته عضو نهضت آزادی نبود، اعضای نهضت مخالف محتوای کار هستند.

می‌خواستیم قدری درباره فضای مستند صحبت کنیم. به نظر می‌رسید مهم‌ترین نکته مدنظر شما پیوند دین و علم در سازمان مناقفین بود که پیش از آنما مرحوم بازرگان هم اتفاقا روی همین کار کرد. ریشه انحراف دقیقا همین جا بود. تفسیری که از قرآن و دین ارائه می‌کرد، تصویری التقاطی و تودوصدایی بود. این به سازمان منشق شد ضد سرقت تسخیر سفارت آمریکاست.

ملاقلی‌پور! بله یکی از دلایل اساسی است، نه تمام آن.

چه دلیلی داشت که اصلا به این مسأله نپرداختید؟ علاقه‌ای نداشتید یا دلیل دیگری داشت؟

بروزوی! ما ۵۰۰ دقیقه آرشیو چیدیم و از این میزان ۸۵ دقیقه را خارج کردیم. یک سری بحث‌ها مخصوصا بعد از انقلاب وجود دارد که خود بحث مفصلی است که حتی اگر من و علی‌ملاقلی‌پور سینمایی هم کنیم باز زمان کم می‌آمد که باید خیلی مسائل را در آن بیان نمی‌کردیم. از خیلی چیزها آگاهانه کنار گذاشتیم. خیلی چیزها را باینکه می‌شد به ضرر آنها باشد باز بیان نکردیم چون گفتیم فردا در گوشه رینگ انداختن و زندنش، درست نبود.

ملاقلی‌پور! نمی‌خواستیم از شرط اخلاق و انصاف هم خارج بشویم.

بروزوی! به این معنا نیست که مصدرضد منفی ها را نگفتیم. خیلی از متیت‌ها را تا جایی که می‌شد بیان کردیم تا تعادلی باشد چون اگر به هم می‌زدیم، ۹۵یا۹۰ درصد مغرضانه می‌شد.

ملاقلی‌پور! جزاره دهید من یک توضیح سینمایی بدهم که موضوع روشن شود. یکی از چیزهایی که وجود دارد این است که در فرمت سینمایی، مردم همواره به دنبال یک مساله نو و جذاب‌اند. بعدیدای همانند ۱۳ آبان یا استعفای ۱۴ آبان دلت موقت و ارتباطی که این‌ها با سفارت آمریکا داشتند و این طور مسائل، چیزهایی هستند که چون تلویزیون خیلی درباره‌شان بحث کرده است به نظر من، پدیده‌ای تلویزیونی ترهنند تا سینمایی. ارتباط نهضت آزادی یا سازمان مجاهدین در نامه امام وجود دارد. درجایی که امام می‌گوید حتی از فرزندان عزیزم‌شان، این مهندس بازرگان... خیلی‌ها می‌گویند بازرگان چه ربطی به لیبرال‌ها دارد.

ملاقلی‌پور! یا به آقای منتظری می‌گویند از کانال لیبرال‌ها مملکت را دست منافقین می‌دهید.

ملاقلی‌پور! چطوری از کانال نهضت آزادی مملکت به منافقین می‌رسد؟ با این فیلم این مساله روشن می‌شود. کسی که نداند، بعد از فیلم هضم و درک و ارتباط بین اینها برایش راحت‌تر می‌شود.

خود من در ابتدا تصور می‌کردم که این مستند قدری بیوگرافیک است و قرار است ما کلا بازرگان را بپسندیم. الان که کار را دیدم متوجه شدم که درباره نسبت ایشان با مجاهدین است. اینکه شما خودتان هم می‌گویید که اصل روایت دبیر شروع می‌شود، شاید به خاطر همین است. کلا فیلم از جایی که وارد ماجرای مجاهدین می‌شود قشنگ‌تر می‌شود.

ملاقلی‌پور! از نظر سینمایی این را درست می‌گویید. این هم وجود دارد.

بروزوی! البته ابوالحسن فروغی خیلی بحث مهمی است ولی چون بحث آن هم فکری است و برای مخاطب عامی که بحث می‌شود ممکن است به لحاظ سینمایی کم‌تر جذاب باشد.

می‌شد این بخش‌ها و اسوط کار خرد کرد و روایت با مجاهدین شروع شود.

بروزوی! این‌طوری کار خیلی لحن تندی پیدا می‌کرد.

ملاقلی‌پور! اینکه می‌گویید یعنی چه؟ یعنی نفت و لوله کشی آب را دریاوریم؟ این مثبت‌ها را اگر نگوییم، یک ضرری دارد که سوال در نسل جوان پیدا می‌شود. خودتان را گناه نکنید که اهل مطالعه و فرهنگ هستید. این را جوانی ببیند که زمان روی مطالعه نمی‌گذارد، این سوال را مطرح می‌کند که امام خمینی(ره) به‌رغم این زاویه فکری، چرا ایشان را انتخاب کرد. حتی شهید مطهری می‌گوید امام می‌دانست و علت‌های مختلفی داشت و یکی از علت‌ها این بود که کسی را نداشت. بالاخره یک فردی که می‌توانست موقعا قدری مملکت را جمع کند و توانمندی داشته است، ایشان بود. ولی از نظر سینمایی درست می‌گویید که آنجا گرما دارد و انرژی فیلم برای این قسمت است. این راقبول دارم ولی یک رسالت تاریخی هم هست که برای آن مجبور شدیم روایت را این‌طور بچینیم. اسم فیلم را عدا؛ «راه طی شده» گذاشتیم. همین مسیری که کج شد، مهم‌ترین کتاب ایدئولوژیک ایشان هم هست. حداقل یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که به هر حال جمعیت‌هایی را خاحوانست منحرف کرد. نیت مهندس بازرگان مطمئنا خیر بوده است. کسانی که می‌شناسند هم همین را بیان می‌کنند ولی نیت نیست صرف کافی نیست و آن اشتباه این انحراف ایجاد کرد.

> آقای طالقانی می‌گوید یک باغبان قسمت‌های هرز و آفت‌ها را می‌چیند که باغ خود را رشد دهد. لیبرال‌ها چون - به نظر من- به‌دشت این آزادی را اشتباه می‌فهمند، حتی معتقدند باید این علف‌ها هم رشد یابند. رابطه مهندس بازرگان با علف‌های هرز این تیپی است؛ کاری به کار آنها نداره، ولی به همه باغ آب می‌دهد. این مساله در خرداد ۶۰ هم وجود دارد. علف‌های هرزی که باغ را خفه می‌کنند، می‌ماند. یا باید باغ بمیرد یا علف‌ها باید از بین بروند؟ کدام؟

فیلم اول خیلی محکم شروع می‌شود و بعد هم به سمتی می‌رود که محتوا را قدری از کلیت مسیر دور می‌کند ولی دوباره از اواسط به مسیر می‌آید چون به آن عادت می‌کند. شاید از دیتر شروع می‌شد از لحاظ فرمی بهتر بود.

ملاقلی‌پور! این انتقاد درست است. موتور دیر گرم شد ولی به مباحث تگاهی به فرصلا سیاسی ولی از دریچه سیاست دیدیم. این فیلم سیاست‌محور نیست. سیاست هم دیل دریچه فکری تعریف می‌شود چون اول با روشنفکر مذهبی طرف هستیم و بعد با یک سیاستمدار یا استراتژیست سیاسی دولتی. ما مجبور بودیم یک سری چیزها را اولیل کار بگذاریم، هرچند باعث می‌شدند موتور فیلم دیر گرم شود. در هنر روایت از شیوه سه مرحله‌ای؛ «کاشت، داشت، برداشت» استفاده می‌شود. در کارما مکاشت‌ها زیاد شده ولی چون بعدها باید به خیلی‌ها پاسخ می‌دادیم، چاره‌ای نبود.

ما می‌خواستیم از انصاف خارج نشویم. دورخیز نکرده بودیم که بازرگان را بکوبیم. می‌خواستیم منصفانه انتقاد و آنالیز کنیم و دریابی که لازم است تعریف هم بکنیم؛ چون مساله‌ای وجود دارد. یک جوان یا نوجوان متولد دهه ۸۰ که نه در زمان امام خمینی(ره) بود و نه در زمان مهندس بازرگان و نه سازمان مجاهدین را می‌داند چیست و چرا نهضت آزادی و نه جبهه ملی نه مصدقی را می‌داند که گیستند. او که هیچ کدام از اینها را ندیده است و نه به آن صورت درباره‌شان خوانده است، برای این نسل سوالی ایجاد می‌شود اگر آن کاشت آن راسی گذاشتیم که می‌گوید مهندس بازرگان در حوزه مدیریت کارهای اجرایی فردموفقی بوده است و در حوزه نفت، لوله کشی آب بسیار موفق بوده است، اگر این انگیزه را داشته که آقا به ایمان بچسبید و این اسلحه وسیله است و اصل مطلب باور و فکر شماست و توجه کنید به‌خاطر فداکاری، اتحاد، وحدت و رهبری بود که پیروزی را به‌دست آوردید. قصد ما از گذاشتن آن بخش تاکید بر این مساله است. حتی جایی که‌حوی می‌گوید، بهتر است قبل از کوفتن بر دهان ما، در دهان مبارک خودتان بزنید چون شما در گذشته هم از خون ریختن می‌ترسیدید، تاکید بر این است که این نهضتی نبود که بیاید خون بریزد. اتفاقا نهضتی بود که می‌خواست بیدار کند نه اینکه بکشد. حتی می‌گویم در رابطه با ارتش واقعا امام تنها کسی است که می‌گوید ارتش منحل نشود. براساس آنچه در تاریخ است اکثرا می‌گفتند ارتش منحل شود. به این دلیل است که امام معتقد بود ارتشی‌ها را هم می‌توان بیدار کرد، واقعا صیاد شیرازی، شهید کلاهدوز و خیلی از شهدا از همین ارتش آمدند بعدها سردارانی جبهه‌های ما شدند.

قصه اشغال سفارت آمریکا را نیاوردید. دلیل چه بود؟

ملاقلی‌پور! ما موضوعات زیادی را نیاوردیم.

اتهاماتی که به آقای بازرگان می‌گفتند اعم از اینکه جاده صاف کن امپریالیسم آمریکایی است، بعد از این مساله بوده است. با نگفتن ماجرای سفارت، ممکن است این قصه‌ای که شما تعریف می‌کنید و ایده‌ای که دارید نقض شود. دعوای اساسی که بین بازرگان و جریان امام ایجاد شده سر قصه تسخیر سفارت آمریکاست.

ملاقلی‌پور! اصلا به شکل ساده‌تر به قصه نگاه کنیم مثلا شما دارید و می‌خواهید آن را با اسلام انطباق دهید یک چیزهایی را پیدا می‌کنید و می‌گویید انطباق دارد. درست است. اما آمدیم و یک جاهایی به مشکل خوردید و عقل بشر نتوانست این انطباق را تشخیص بدهد، اینجا باید اصل را بر اسلام بگذاریم؟ یا اصل را بر علم فیزیک و شیمی؟ اصالت با کدام است؟ باد نیست که ما داریم این را می‌گوییم که این ویژگی منفی را ندارد، چرا دارند؟ و مهندس بازرگان خیلی هم ویژگی منفی و بد تاثیرگذاری در جامعه داشته که اگر نداشت ایشان می‌توانست در راس قدرت بماند. وقتی این قطعه‌های بزرگ فاحش را داشته، طبیعتا از فضای قدرت و حاکمیت جدا شده بود. امام آنها را به‌نوعی کنار گذاشت، این هم یک ویژگی منفی است که واقعا دارد.

موضوعی که درباره نهضت آزادی و مهندس بازرگان در مستند کمتر توجه شده، ترسیم فضایی است که وی فعالیت‌های سیاسی مذهبی‌اش را شروع می‌کند. به هر حال نمی‌توان این مساله را کتمان کرد که مهندس بازرگان در دوره‌ای، این شکل مبارزه را شروع کرد که کمتر جریان‌های مذهبی فعالیت سیاسی داشتند.

ملاقلی‌پور! من پیشنهاد می‌کنم که دوباره بار مستند را ببینند این مستند کاشت‌هایی دارد که همه را جواب می‌دهد. من اعتقاد دارم که آن جریان غرب‌گرایی نتوانست خالص رشد کند، احتیاج پیدا کرد که یک مقدار با تعریف دینی خودش را رشد بدهد. برای اینکه بتواند جریان غربی را رشد بدهد، سعی کرد دین را با پیشرفت‌های غربی انطباق دهد، لزوما نه به خاطر اینکه صرفا پیشرفت‌های غربی باشد.

بروزوی! فکری که مهندس بازرگان داشت، برای اوایل دهه ۲۰ میلادی یعنی بیش از ۱۰۰ سال پیش این بحث را تحلیل کنیدرویکردهای علمی اثبات گرایانه‌ای است که پوزیتیویست‌ها آورده بودند. اینکه می‌گفتند حقیقت آن چیزی است که از طریق مشاهده، تجربه و زبان علم بیان می‌شود، اتفاقا بازرگان یک نیت خیرخواهانه و اسلامی رفت که بگوید علم با دین مناقاتی ندارد و مبنتی بر پارادایم حکم بر آن دوره که نگاه‌های اثبات‌گرایانه علمی باشد، مخاطب علمی را با دین بیوند داد.

یعنی با این نیت خیرخواهانه که اسلام را با مدرنیته و یا پیشرفت و توسعه و رویکردهای علمی هم‌سو کند و در عین حال معتقد بود که دین مناقاتی با این بحث‌ها ندارد. به‌عنوان یک روشنفکر دینی آن حرفی که برای آن برهه زمانی دارد کاملا از منظر نگاه روشنفکری درست استنباط کرده است. در زمان‌های آنها حرف درستی بود و است ولی ایراد و اشکالش با تفکر اسلامی که اساسا با مدرنیته سر ناسازگاری دارد و نه‌به‌معنای اینکه بخواهید بحث‌های اثبات‌گرایانه‌ای علمی و پوزیتیویستی را کنار بگذارد و بیاید برای معرفت بشری محدوده کوچکی قائل می‌شود، به وحی الهی و آموزه‌های انبیا جایگاه بالاتری می‌دهد و آن را مهم‌تر می‌داند. و باز این حرف به آن معنا نیست که بازرگان به آن اعتقادی نداشته باشد ولی چون وی خواست که به این تطابق انتقال و اتفاق بدهد، جوانان را به دریچه مدرنیته‌ای برد که خودش از منظر لیبرالی وارد آن شد و جوان‌های دیگر چیزهای دیگری گرفتند و حالا در دوره روشنفکری جدید مثلا من می‌گویم دکتر سروش دیگر رویکرد پوزیتیویستی و اثبات‌گرایانه ندارد، بلکه رویکردی لیبرال گرایانه دارد. یعنی از منظر پوپر آن چیزهایی را که در واقع در غرب وجود دارد و آموزه‌های دینی را با همه‌گونه دوست به آنها صحبت می‌کند و روشنفکری معاصر دینی ما که از آن پارادایم حاکم بر خودش که اثبات‌گرایانه بود و مثل زمان بازرگان بود خارج شده و آمده در دوره‌ای که رویکردهای لیبرال گرایانه باشد. از آن منظر در آمده نگاه می‌کند و می‌خواهد اسلام را با مدرنیته تطبیق دهد. اینجاست که در واقع محل چالش بین سروش و حتی پایگاه فقه اسلامی و متفکران اسلامی می‌شود، چرا؟ چون آنها پایگاه‌هایشان با همدیگر فرق دارد و حالا نمی‌گویند که یک دوره‌ای اثبات گرایی و دوره‌ای دیگر رویکرد لیبرال بود یا اینکه الان اصلا بحث مقدمه‌تناسی و حقیقت‌شناسی کردن، کار بیهوده شده است. اینکه دائما با آن تفکری که در غرب حاکم است و حاکمیت علمی و متفرقات دارد در واقع بخواهی گزاره‌های دینی را تطبیق و تفسیر کنی. وقتی آن طور تطبیق و تفسیر کنی، می‌بینیم که انسان شناسی یک مدل و جهان‌شناسی یک مدل دیگر می‌شود. باز بازرگان به یک شرعی معتقد بود ولی آن جوری که سروش تحلیل می‌کند اصلا شرعا به هم می‌خورد. به قطع و یقین می‌گویم بازرگان با آن عمل توریستی که آنها انجام می‌دهند، چه بسا مخالف بود و خودش مشی آنچنانی نداشت، ولی به‌گونه‌ای عمل کرد که غیرمستقیم یا مستقیم آنها را به آن سمت روانه کرد.

ملاقلی‌پور! اصلا به شکل ساده‌تر به قصه نگاه کنیم مثلا شما به‌عنوان یک مهندس که با مسائل فیزیک و شیمی سر و کار دارید و می‌خواهید آن را با اسلام انطباق دهید یک چیزهایی را پیدا می‌کنید و می‌گویید انطباق دارد. درست است. اما آمدیم و یک جاهایی به مشکل خوردید و عقل بشر نتوانست این انطباق را تشخیص بدهد، اینجا باید اصل را بر اسلام بگذاریم؟ یا اصل را بر علم فیزیک و شیمی؟ اصالت با کدام است؟ باد نیست که ما داریم این را می‌گوییم که این ویژگی منفی را ندارد، و باران در قرآن، یکی از کتاب‌های مهندس بازرگان است که آنجا می‌گوید نظمی که در جهان است و باران ما تبدیل به ابر می‌شود، می‌گوید این نظم که در قرآن است و در علم هم هست. اینجا خوب است اشکالی ندارد. بحثی نیست و خیلی هم خوب است از نظر علمی هم بحث می‌کنیم. اما واقعا همه قرآن ازجمله آخرت، وحی، معاد را می‌شود با فیزیک و شیمی بحث کرد. اینجاست که به این نقطه می‌رسیم آیا بازرگان در جایی که اینها زورشان نمی‌رسد، پایگاه را می‌گذارد علوم ماده را یا پایگاه را می‌گذارد بر اسلام؟ به نظر من، مهندس بازرگان، بیشتر اوقات پایگاه را بر علوم ماده می‌گذارد. مشکلات از اینجا شروع می‌شود. حتی در کتاب آخرش می‌گوید اسلام نیامده است که احکام را بگوید، احکام را خودمان بهتر از اسلام پیاده می‌کنیم.

برگردیم به قبل از مستند، پژوهش این کار چقدر طول کشید؟

بروزوی! طرح پیشنهادی از ابتدا برای خود ما بود. در واقع سفارشی نگرفتیم که این کار را بسازیم و دغدغه شخصی‌مان بود و مطرح کردیم و قبول کردند و شروع به کار کردیم. از مهر ۹۵ هفتگی جلسات داشتیم و مفصل کتاب‌هایی را خوانده بودیم و بحث می‌کردیم و مورد قوت‌ترین نقطه تحقیق ما همین مباحثه‌هایی بود که دمین من و علی شکل می‌گرفت. یعنی اینکه بگوییم کتاب زیاد خوانده‌ایم مهم نبود. این چیزهایی که خوانده بودیم دائما در رفت و برگشت بود و خیلی از یافته‌های جدید بین خودمان انجام می‌شد.

در مورد چه چیزهایی بحث می‌کردید؟

بروزوی! از کتاب‌های غیر مهندس بازرگان مطالعه داشتیم تا کتاب‌های خودایشان و مصاحبه‌هایی که چاپ شده بود و پیش مصاحبه‌هایی فراوانی که داشتیم و مقاله‌هایی که مهندس بازرگان نوشته بود. ما باهمه افراد مصاحبه‌شونده مستند، مان، مصاحبه داشتیم و حتی با بعضی از آنها بیش از یک بار.

تمامی سوالاتی را که از قبل مشخص بود، حتی دوماه سوالات را روزانه به آنها داده می‌شد. اگر در مستند نگاه کنید دست اکثرشان کاغذ است و کاغذ سوالات بود. حتی بعضی از آنها به ما گفتند این سوال را چواب نمی‌دهیم و این سوال را جواب می‌دهیم. حتی در مصاحبه‌هایی داشتیم که جواب سوالاتشان چه هست؟ چون قبلش هم رفته بودیم و از آنها پرسیده بودیم و بعضی‌هایشان محافظه‌کاری می‌کردند و آن چیزهایی که در خلوت ما گفتند، جلوی دوربین نمی‌گفتند. ولی اکثرا آزادگی و اخلاق خوب را داشتند و آمدند و گفت‌وگو کردند و از این بابت از آنها خیلی متشکریم. حدود ۹ ماه قبل از اینکه مصاحبه‌هایمان شروع شود، خودمان دائما پیش مصاحبه، مصاحبه‌ها، پژوهشگر و کتاب خواندن بحث روی کدر گذراندیم. البته ۶ ماه پایانی در زمان تولید را هر روز با علی جلسه داشتیم و بحث می‌کردیم و کتاب می‌خواندیم.

یک نکته مهم این است در ماجراهست که اعضای اولیه نهضت آزادی که ما مصاحبه کردند رویکرد ما را می‌دانستند، یعنی می‌دانستند که ما طرفدار آنها نیستیم و خودشان این موضوع را می‌گفتند. می‌دانستند که قرار است ما هم نقد کنیم و هم تعریف. قول ندادیم که کجا را نقد می‌کنیم و کجا را تعریف. آنها هم به نقل من حدس می‌زدند که کجا را قرار است زیرسوال ببریم؛ چون سوال‌ها دستشان بود و دوطرف از هم شناخت داشتیم. اما اینکه خروجی، مدنظر آنها باشد یا نباشد یک بحث دیگر است. ولی این طوری نبود که هدنوانه‌ای در بسته باشد. شما در مصاحبه‌ها هم نگاه کنید اکثر مصاحبه‌شونده‌ها حتی کاغذشان در کادر است. حتی در پایان مصاحبه، از خود اعضای مصاحبه بپرسیم که آیا من رویکرد چالشی ما را می‌پذیرید یا نه؟ و گفتند آره. نگاه کنید خیلی از انتقادها جلوی دوربین است یعنی همانجاها دارم به آنها پخت می‌کنیم. یکی از دلایلی که ما از آنها استفاده کردیم برای همین بود که در مستندهای سیاسی می‌گویند تقطیع شده است ما آنینه را گذاشتیم برای اینکه آن کسی که پشت دوربین است در آینه بدون اینکه کات بزنیم، جواب می‌دهد.

آیا از کسی خواستید که گفت‌وگو کند ولی حاضر نشده باشد؟

بروزوی! بله، مثلا لطف‌الله میثمی و حتی با آقای ابراهیم یزدی دیدار داشتیم ولی به خاطر شرایط جسمی ایشان نتوانستیم مصاحبه کنیم.

مگر فیلمبرداری کار را چه موقع شروع کردید؟

بروزوی! بخش‌هایی از کار را از سال ۹۵ شروع کردیم، ولی ما اول فروردین ۹۶ با آقای دکتر یزدی یک دیدار داشتیم.

بروزوی! خانم اعظم طالقانی هم از جمله کسانی بود که خیلی تمایل نداشتند در این مورد صحبت کند و آقای غلامعباس توسلی هم شرایط جسمی‌شان اجازه نمی‌داد.

> ساواک به بازرگان فشار می‌آورد که اگر با جنبش مسلحانه مخالف هستید یادداشتی بنویسید که از اینها اعلام برائت شود. او این کار را قبل از انقلاب نمی‌کند. این از اخاطره‌ای آن دوره سخنی از آن کتاب و از سویی یک پایگاه فکری در تاریخ سیاسی حرف می‌زند، شخصیت مهمی است. کمااینکه بعضی جریان‌های سیاسی از او به‌عنوان پدر معنوی یاد می‌کنند یا حتی همین چندوقت پیش که ابراهیم یزدی فوت کرد، کارگزارانی ما گفتند که ما بر شانه‌های همان ایستاده‌ایم، چون نقطه ابتدای خیلی از معادلات سیاسی ما مهمن نوع رابطه این با آمریکا را بازرگان شروع کرد. بازرگان در فضای انقلابی ضداستکباری آن موقع، راه حرف‌هارا می‌زد و طبیعتا خیلی‌ها بعد از اما وبعد از اینکه کسی از این آرمان‌ها فاصله گرفتند، شروع کردند. در صورتی که بازرگان خیلی صریح‌تر به واسطه تاثیراتی که از غرب پذیرفته بود، این حرف‌ها را می‌زد. آن حرف‌هایی که آن موقع بازرگان می‌زد مثلا نسبت ایران و نوع معادلات خارجی را خیلی راحت می‌توان در زبان سیاستمداران امروز پیدا کرد؛ یعنی پایگاه فکری آنها به یک معنا خود مهندس بازرگان است.

ملاقلی‌پور! اینکه می‌پرسید ربط این مستند با شرایط امروز چیست. فقط یک مثال می‌زنم و ما قرار است سه‌شنبه ۲۹ آذر ماه؛ این مستند را رونمایی کنیم. ولی هنوز این فیلم دیده نشده، آقای آشنا مشاور رئیس‌جمهور توئیت زده و گارد گرفته است که امیدوارم جوان‌های ما نگذارند که مستند می‌سازند، مستقل فیلم بسازند. این امر که موضع می‌گیرد فقط صرفا می‌داند دست راست دولت روحانی است، ساختاری شده است. در صورتی که خدا شاهد است و در مستند دیدید که سعی شده انصاف رعایت شود و نیامدیم که بگوییم مهندس بازرگان آدم بدی بوده است، به هر حال این خاطره را از دوطرف هم کسی را که تندروی علیه ایشان کرده، ملاآقای های غفاری، آوردیم. صرفا نمی‌خواهیم یک سویه باشد. البته از زاویه دیگر هم پرداخته‌ایم و گفته‌ایم که در نقطه اجرایی کاملا مبلی - مذهبی بوده است اما نه در نقطه فکری. در نقطه اجرایی هم ملی هاقبولش داشتند و هم مذهبی‌ها ولی در نقطه فکری -سیاسی نمی‌توان گفت که یک فرد ملی مذهبی است.

ببینید بین مکتب‌های مادی پیوند هم دیده می‌شود که امروز نیز گسانی را داریم که چپ گراهای تندی بودند اما الان از آزادی حرف می‌زنند؛ در همین یک‌سی دو دهه، یک دفعه می‌بینی پیوندهای اینها را آنها چطوری شد؟ همین دوره کسانی که انقلابگرای تند بودند، الان به دامن لیبرال‌ها افتادند و دوباره پیوند می‌خورند و از لحظه امام به نظرم اصل است که آخر این مستند گذاشتیم.

> آقای طالقانی می‌گوید یک باغبان قسمت‌های هرز و آفت‌ها را می‌چیند که باغ خود را رشد دهد. لیبرال‌ها چون - به نظر من- به‌دشت این آزادی را اشتباه می‌فهمند، حتی معتقدند باید این علف‌ها هم رشد یابند. رابطه مهندس بازرگان با علف‌های هرز این تیپی است؛ کاری به کار آنها نداره، ولی به همه باغ آب می‌دهد. این مساله در خرداد ۶۰ هم وجود دارد. علف‌های هرزی که باغ را خفه می‌کنند، می‌ماند. یا باید باغ بمیرد یا علف‌ها باید از بین بروند؟ کدام؟

چیزی که در مجلس نشان می‌دهید و مهندس بازرگان حرف می‌زند، گنگ است. آیا می‌خواهید گنگ بماند که چه کسانی صحبت می‌کنند؟

بروزوی! خیر. تصور و آنرشیو هم بود. افراط گرایی که آنجا بودند، الان دچار تفریط شده‌اند.

بروزوی! ملاصدایی در فیلم هست که آقای هاشمی می‌گوید آقای اسدی‌ا... آقای ناطق می‌گوید الان اسدی‌ا خودش در آمریکازندگی می‌کند. آن افراط گراها حالا دچار تفریط شده‌اند. در خاطرات خاطره‌ای هم چیزهایی در این باره هست، یا اسم هادی غفاری هم مطرح می‌شود.

برای مصاحبه سراغ هادی غفاری نرفتید؟

بروزوی! نه. چون ما می‌خواستیم با خود اعضای نهضت صحبت کنیم و تاکید من از ابتدای فیلم هم همین بود که کراکتر مستند و مخالف در آن خودم هستم نه هیچ کدام از مصاحبه‌شوندگان.

نترسیدید این تناقض ایجاد بشود که شما راوی هستید یا خط دهنده؟

ملاقلی‌پور! مستند همان ابتدا می‌گوید که به نمایندگی از نسل جوان سوال دارد و می‌گوید اگر کسی قرار است انتقاد کند، بهتر است آن شخص خودمان باشیم. ما باید به‌عنوان یک نسل جدید وارد شویم. الان کسی کتاب‌های آقای بازرگان را بخواند واقعا بر از سوال می‌شود؛ یعنی این واقعیت وجود دارد. من و آقای امین نوروزی و دوست دیگر ما حامد تقی‌زاده که پژوهشگر کار بود، البته بیشتر من و امین آقا که زمان بیشتری با او افراد مختلف داشتیم. سرچ و جست‌وجو و جلسات با افراد و واقعا اینها جریانات جدایی هستند. این طور نیست که فکر کنیم به راحتی فهمیدیم راه طی شده، چه اشتباهی داشته است. برای فهمیدن اینکه راه طی شده؛ چرا به این مسیر رفته است، خودمان باید این کتاب را بخوانیم. واقعا خواندن کتابی که خیلی قطور نیست، زمان زیادی برد. کتاب سنگینی به لحاظ فهمیدن است، چون پیچیده است. عمیق نیست به نظر من، بلکه پیچیده است چون مفاهیم در هم تنیده شده باید با مراجعه به چند جزء فهمید که این ادغام چیست.

از عمد به برخی سوالات روز جواب نداده بودید؟

بروزوی! خیر. «راه طی شده» فیلم روز نیست.

مثلا در صحنه‌ها به نظرم می‌رسد می‌خواستید مرحوم بازرگان را با سید محمد خاتمی این همانی کنید؛ یعنی جایی که مرحوم بازرگان به‌نوعی اصرار امام حاضر نیست علیه مجاهدین مرزبندی کند.

ملاقلی‌پور! خیر. این سوالات ممکن است در ذهن خیلی‌ها ایجاد شود، ولی این نیست بوده است. انگیزه‌ها این بوده است. اینها در محبت‌های آقای طالقانی بود. ایشان می‌گفت هر موجود زنده‌ای هم باید جفت و هم دفع داشته باشد. اگر فقط جذب باشد، آن موجود می‌میرد و اگر فقط دفع باشد، آن موجود باز هم می‌میرد. این در عالم واقع هم وجود دارد. شهید مطهری هم عنوان یک کتابش را جاذبه و دافعه علی‌ابن ابیطالب گذاشته؛ یعنی در اسلام هم وجود دارد. عقل سلیم هم می‌گوید هم جذب و هم دفع.

بروزوی! قبل از انقلاب اسناد ساواک وجود دارد که ما نیاوردیم. ساواک به بازرگان فشار می‌آورد که اگر با جنبش مسلحانه مخالف هستید یادداشتی بنویسید که از اینها اعلام برائت شود. او این کار را قبل از انقلاب نمی‌کند. این را از خاطره‌ای از مهندس سحابی از کتاب خود آوردیم. فقط از پیروزی انقلاب به این سو با حتی سال ۶۰ به بعد که شروع به شروع می‌شوند، محل بحث ما نیست. بازرگان چرا قبل‌تر نگفت که اینها اسلحه را بگذارید. مصاحبه‌شونده‌ها در مار این فیلم می‌گوید نمی‌دانم. اما این حقیقت ندارد، چون حقیقت این است که مهندس بازرگان اساسا چنین چیزی را نمی‌گفت، حالا چه قبل از ۵۴ باشد و چه بعد از ۵۴ باشد و چه قبل یا بعد از خرداد ۶۰.

اصلا مهندس بازرگان این فاصله‌گذاری و اعلام برائت از آنها نمی‌کند. خیلی واضح و مشخص است. این حرف به اعضای نهضت آزادی برمی‌خورد و می‌گوید مهندس بازرگان طرفدار تزور نبود. اگر طرفدار تزور نبود، چرا یک بار هم محکوم نکرد؟ محکوم نکرد که هیچ؛ از اینها در مجلس با عنوان «جانبازان عزیزم» نام برد. در کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت» هم از اینها یاد کرد. می‌خواهم بگویم این جور جاهاست که اتفاقا باعث محل انحراف، پرسنگری و سوال می‌شود.

موضع او درباره جبهه ملی هم همین طور بوده است؟

بروزوی! بله. امام می‌گوید از اینها اعلام برائت کنید. فردا می‌گویند خب ما قصاص را قبول داریم. امام روز بعد سخنرانی می‌کند و می‌فرماید من نگفتم بگویید قصاص را قبول دارید، از اینها که حرف ضداسلام زدند، اعلام برائت کنید و چنین نمی‌کنند. یک لجبازی این چنینی بین نهضت آزادی با امام و جریان تفکر اصیل اسلامی دارد.

ملاقلی‌پور! اتفاقا در مستند هم آمده است که بازرگان هم یک شخصیت ملی داشت و هم یک شخصیت مذهبی، که هم خمینی به‌عنوان یک شخصیت مذهبی به او حکم نشوت‌ورزی می‌دهد. ولی اگر به لحاظ اندیشه سیاسی نگاه کنید ایشان نه ملی بود و نه مذهبی. سیاستمداری لیبرال بود که به همه چیز با راه‌حلی اروپایی نگاه می‌کرد. به هر حال این چه جور اسلامی که نه تنهی از منکر دفاع نه برائت دارد و نه حتی چیزهای دیگر. حداقل می‌توان گفت اسلام ناقصی را ایجاد می‌کرد. کاملا ملی بود و کاملا مذهبی نبود. این چگونه بنای حزب مذهبی گذاشتند است که امثال حسن نزیه و امیرانتظام با کسانی که اصلا به اسلام اعتقاد نداشتند را وارد کار می‌کنند.

بروزوی! خیر. «راه طی شده» فیلم روز نیست.

ملاقلی‌پور! نهضت آزادی که بیرون آمد دولت بودند و راه اقتاییانیه هم دادند را قبول نمی‌کند. اینکه جعفری می‌گوید بازرگان حرف کسی را نمی‌زد، درست بود.

ملاقلی‌پور! شاید هم عدم باور به اینکه چرا باید اصلا نهضتی کنم. انگار بازان بازی که برای برخی فیلم‌ها هم شده هم در همین شکل موضع‌گیری اتفاق این لیبرال‌ها بود.

بروزوی! اتفاقا مهندس سحابی بعد از بیرون آمدن از نهضت آزادی، تعبیرشده‌ای نه باید بازرگان به کارمی‌برد که می‌گوید فقط جذب باشد، آن موجود می‌میرد و اگر فقط دفع باشد، دست راست دولت باز بازرگان را کسی می‌گوید که از دهه ۳۰، شکل توصیف از رفتار بازرگان را کسی می‌گوید که از دهه ۳۰، شهید مطهری هم عنوان یک کتابش را جاذبه و دافعه علی‌ابن ابیطالب گذاشته؛ یعنی در اسلام هم وجود دارد. عقل سلیم هم می‌گوید هم جذب و هم دفع.

**بروزوی